اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت بیست و ششم)

عشق (بخش سوم (خودجنس گرائی))

متاسفانه بیشتر انسانها سعی دارند بدون هیچگونه اشاره ای به خدا، قیامت، شیطان ، جهنم و بهشت؛ زندگی را برای خودشان و بچه هایشان توضیح دهند و به این طریق بچه با یک بینش و جهان بینی بسیار غلط و ناقص بزرگ میشود و براحتی طعمه بینشهای ناصحیح میشود. وقتی از آزادی صحبت میشود؛ اولین موردی که به فکر انسان میرسد؛ آزادی جنسی است و این در حالی است که آزادی واقعی در آزادگی است. آزادیی که بشر تبلیغ میکند؛ آزادی در رد فرامین کتابهای آسمانی است. واقعیت این است که بشر بدون دخالت کتابهای آسمانی ، سرنوشت بدی برای خود رقم خواهد زد زیرا فقط خدا می‌تواند بشر را از این آشفتگی که در آن غرق شده است، را نجات دهد.

خدا مودت و رحمت را به زنان و مردان توصیه میکند اما شیطان بجای آن عشق و فمنیسم را گسترش میدهد. فمنیسم از یک جهت یعنی خود جنس گرایی. زنان و مردان به علت تربیت غلط دوران کودکی و درون اجتماع؛ اعتمادشان را نسبت به هم از دست میدهند و در نتیجه فکر میکنند که باید افراد مستقلی باشند. زنان جامعه ما فکر میکنند که باید الهه زیبایی باشند، تا خوشبخت باشند. در حالیکه مردان، زنان خالص و پاک را می پسندند. زنان با تغییر در خلقت خدادادی خویش میخواهند که مردان را جذب کنند، ولی نمیدانند که خدا این خاصیت را مادرزاد در آنها قرار داده است و کافیست که خالص و پاک باشند و لازم نیست برای جذب مردان در خلقت خویش تغییر ایجاد کنند. زنانی که برای جذب کردن مردها، خلقت خدادادی خویش را تغییر میدهند، در مسیر اشتباهی سیر میکنند. تمایل آنان به این روشها و نمایشها، نتیجه معکوس دارد. این یک واقعیت است که زنانی که ادای مردها را در می آورند، اصلا جذابیتی برای مردهای واقعی ندارند. خدا خلقتها را برای خلایق کامل انجام داده است. این انسانها هستند که آن را تغییر مسیر میدهند. فمنیسم ویژگیهای زنانۀ زنان را نادیده می گیرد و بیشتر میخواهد زنان را مثل مردان نمایش دهد. زنان باید زن باشند تا خوشبخت باشند؛ بنابراین اهدافشان هم با اهداف مردان فرق دارد.

متاسفانه بعضی فیلمها و سریالها ما را شستشوی مغزی میدهند و طوری وانمود میکنند که زنها باید الهه زیبایی و الهه لذات باشند.

فلسفه فمنیسم توسط شیاطین طراحی شده است تا الهه هایی در کنار خدای یکتا قرارداده شوند. بنابراین زنی که خود را یک الهه زیبایی میداند، نمیتواند خدا را به یکتایی بپرستد. مردی که خود را الهه قدرت می پندارد، نمیتواند خدا را به تنهایی پرستش کند. فرعون دچار همین مشکل بود. فرعون بخاطر قدرتش دیکتاتور نبود؛ بلکه او خود را الهه قدرت می نامید. فرعون خود را صاحب جان و مال مردم میدانست.

حالا جامعه طوری شده است که خیلی از مواقع مردان، خصوصیات و رفتار زنانه را انتخاب میکنند و بالعکس. زنان به راحتی و مثل آب خوردن، فریب فمنیسم را می خورند. جامعه ما بیش از هر چیزی به ویژگیهای خالص زنانه نیاز دارد. به شفقت و مهربانی در خانواده، به پرورش و تربیت مادرانه نیاز دارد. اما فمنیسم به زنان آموزش میدهد که مثل مردان رفتار کنند و به مردان آموزش میدهد که به زنان نیاز ندارند و مجرد بودن بهتر است. زنانی که براحتی سقط جنین می کنند و براحتی حس مادرانه خویش را طرد میکنند. زنان از آنجا که بیشتر احساسی هستند، بسیار زود فریب این جادوی شیطانی را میخورند. آنها نمیدانند که مردان واقعی هیچوقت نزدیک زنانی نمیشوند که فمنیستی فکر

میکنند. قبول کردن یک زن با اخلاق و افکار مردانه، یعنی با یک همجنس زندگی کردن. وقتی از همجنس گرایی صحبت میشود، فقط منظور همجنس فیزیولوژیکی نیست؛ بلکه منظور همجنس اخلاقی هم هست. هیچوقت در طول تاریخ تا به این حد، مردان و زنان از هم دور نبوده اند و حس مودت و رحمتی که خدا بین زن و مرد نهاده است؛ فقط بین زن زنانه و مرد مردانه برقرار میشود و نه بین دو فمنیسم. مردی که اخلاقیات زنانه دارد و زنی که اخلاق مردانه دارد، هر دو فمنیسم و خود جنس گرا هستند. آنان متکبرند زیرا ازواج خویش را در وجود خویش یافته اند و به همین خاطر خود را بی نیاز از زوج میدانند.

وقتی از قوم لوط صحبت میشود و آنان مورد نکوهش قرار می گیرند؛ بخاطر این است که آنان وظایف زن و مرد را با هم خلط کرده بودند و به همین خاطر زنان هم در جامعه آن موقع مورد سرزنش قرار می گیرند و آنها بخاطر اخذ خصوصیات مردانه مورد مواخذه قرار می گیرند.

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت آیا آن کار زشت[ی] را مرتکب می شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است (٨٠)

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

شما از روی شهوت به جای زنان با مردان درمی آمیزید آری شما گروهی تجاوزکارید (۸۱)

وقتی در قرآن، از النِّسَاءِ **صحبت میشود؛ منظورش فقط موجودیت زنان نیست، بلکه زنان با خصوصیات و روانشناخت زنانه است. در جامعه لوط، زنان اخلاق مردانه داشتند و به همین خاطر در کار زشت لواط همدوش مردان بودند.**

به همین خاطر، مردان و زنانی که خصوصیات خدادادی خویش را طرد میکنند و ادای جنس مخالف را بازی میکنند، از نظر قرآن طاهر نیستند، زیرا به یک امر شیطانی تسلیم شده اند.

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿۸۲﴾

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند آنان را از شهرتان بیرون کنید زیرا آنان کسانی اند که به پاکی تظاهر می کنند (۸۲)

خدا خیلی دقیق کلمات و حروف را بکار میبرد و با همین کلمات ، قدرت کلام خود را نشان میدهد. در قرآن از چند کلمه زوج، امْرَأَةَ ،النساء،صاحبةَ، اهل **برای همسر و زن استفاده شده است. اما هر کدام از این کلمات معنا و مفهوم خاصی را در خود دارند.**

برای زن نوح و لوط از امْرَأَهَ **استفاده شده است** (امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ)**. زیرا نوح و لوط با همسرانشان همفکر نبودند. اما بالاخره تامدتی پیش هم زندگی میکردند. اما برای آدم از لفظ** زوج **استفاده شده است** (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ)**. زیرا آدم و همسرش همراستا بودند. زن فرعون با همسرش همراستا نبود و به همین خاطر از لفظ** امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ **استفاده میشود. در مورد زکریا قبل از تولد یحیی، از لفظ امْرَأَتَ** (وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا) **استفاده میشود زیرا قبل از تولد یحیی، زکریا با همسرش از نظر فکری و اهداف زندگی اختلافاتی داشته است ولی بعد از اینکه خدا یحیی را به آنها بخشید، خدا همسرش را از بندگان صالح قرار داد و خدا او را** زوج **خطاب میکند و میفرماید:**(فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ)**. اما بالاخره زن و مرد روزی از همدیگر جدا میشوند و می میرند. در آنحالت خدا همسر را** صاحبهَ **خطاب میکند** (وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ)**. اما کلمه** النساء **به معنای موجودیت زنان با خصوصیات و روانشناخت زنانگی است و بهمین خاطر خدا میفرماید که** إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ . **یعنی ای قوم لوط شما شهوتتان را استفاده میکنید بدون استفاده از خاصیت زنانگی. زیرا مردی که شهوتش را بدون استفاده از زنان انجام دهد، به نوعی همجنس گرا و یا خود جنس گراست.**

زنان قوم لوط، با مردان همکاری میکردند و این بسیار باعث تعجب است. اما باید بدانیم که زنان در آن موقع ، مردانه فکر میکردند و خصوصیات زنانگی خویش را در اخلاق و مرام خویش تغییر داده بودند و به همین خاطر در مقابل این عمل مردان

هیچی نمی گفتند و حتی همکاری هم میکردند. بنابراین آیه إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ **شامل زنانی هم میشود که خصوصیات زنانگی خویش را از بین می برند و مثل یک مرد رفتار میکنند (**دُونِ النِّسَاءِ**). معمولا وقتی خدا در قرآن از گناه زنان صحبت میکند، سرپوشیده صحبت میکند ولی شنونده باید خودش متوجه باشد.**

خدا در جهان ، همه چیز را زوج آفریده است. منظور از زوج، همیشه مذکر و مونث نیست، بلکه بعضی مواقع متمم و مکمل هم هست.

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾

و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم امید که شما عبرت گیرید (۴۹)

بعضی چیزها زوج هستند ولی علم ما هنوز به آن پی نبرده است. بشر برای اولین بار در قرن شانرده میلادی کشف کرد که حتی گیاهان هم براساس زوجیت عمل میکنند. فقط خدای عالمیان تک و تنهاست. (قل هو الله احد الله صمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾

پاك [خدايى] كه از آنچه زمين مى رویاند و [نيز] از خودشان و از آنچه نمى دانند همه را نر و ماده گردانیده است (۳۶)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿۲۲﴾

و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه دار آن نیستید (۲۲)

خدا در مورد روز قیامت می فرماید که : وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ. **این یعنی در روز قیامت، تمام زوجها، به مکان و موقعیت اصلی خود بر میگردند. ما بشر هم زوج آفریده شده ایم. ولی وقتی ازدواج میکنیم؛ شیطان با جادوها و وسوسه ها نمی گذارد زوج بمانیم و پیوند معنوی زن و مرد را از هم میگسلد.**

در مورد جادوهایی که در زمان سلیمان ، شایع بود؛ یکی از آنها جدایی انداختن بین افراد و زوجشان بود. در این آیه خدا از عبارت زوج استفاده میکند(مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ) **. زیرا گاهی زن و شوهر در ظاهر پیش هم زندگی میکنند ولی اصالت زوجیت خویش را از دست داده اند. زیرا شیطان آنها را جادو کرده است. اساسا روشهای جادویی، زوجیت براساس معنویت را قبول ندارد.**

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾

و آنچه را که شیطانها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان[صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم نمیکردند مگر آنکه [قبلا به او] می گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوی

و[لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی رسانید و قطعا [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره ای ندارد وه که چه بد بود آنچه به جان خریدنداگر می دانستند (۱۰۲)

خدا در آیه دیگری می فرماید که زنان شما، کشتزار شما هستند. خدا در این آیه از واژه النساء **استفاده می فرماید.**

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۲۳﴾

زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در]آیید و آنها را برای خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده (۲۲۳)

در آیه بالایی خدا میفرماید که نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ. **بعضی ها فکر میکنند این آیه به شخصیت زنان توهین کرده است. اما اگر بیشتر دقت کنید متوجه خواهید شد که خدا در آیه ، بر خاصیت زنانگی زنان جهت پرورش خانواده بسیار تاکید نموده است و به همین خاطر فرموده است زنان کشتزار شمایند، زیرا خاصیت زنانگی زنان (مهر و شفقت نسبت به فرزندان و همسران و تربیت بچه ها و ...) محیطی امن برای پرورش خانوادگی است.**

و همچنین در آیه زیر الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ **فرموده است. در ادامه دلیلش را هم فرموده است.** ِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ. **قوامون در این آیه به معنای قوامیت نژادی نیست؛ بلکه به علت یک سری خصوصیات مردانه است که زنان به آن نیاز دارند همچون انفاق (نفقه).**

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ﴿۳۴﴾

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را ترك كنيد پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجویید که خدا والای بزرگ است (۳۴)

در آیات مربوط به بهشت، از عبارات ازواج استفاده میشود زیرا در بهشت، همه چیز به خوبی سپری میشود و ارتباط معنوی بین زوجین هیچوقت نمی گسلد و هر زوجی در نقش خودش است و نقش واقعی خودش را دارد و هیچ تداخلی بین زوجین پیش نمی آید.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿۵۷﴾

و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم برای همیشه در آن جاودانند و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و آنان را در سایه ای پایدار درآوریم (۵۷)

هر چند خدای مهربان، هدف از آفرینش زوجین را ارتباط معنوی و رشد معنوی زوجین تعیین کرده است. اما این خود ماییم که این قوانین را دور میزنیم و طبق جادوهای شیطان عمل میکنیم.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾

و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است (۲۱)

الهه سازی یکی از بدترین کارهای بشریت است. مثلاً در بعضی کشورها مردان برای خواستگاری از زنان به آن‌ها رکوع می کنند و یک حلقه به او میدهند؛ با این عمل به نوعی از زن یک الهه می سازند. این نوع بینش نسبت به زن نشان از آن دارد که از او یک الهه ساخته می شود البته الهه ای که در اختیار مرد باشد و به او آرامشی خدایی! دهد . هر چیزی را که از جایگاه خودش خارج کنیم به نوعی او را الهه کرده ایم. به طور مثال، کلمه طیبه را از جایگاهش خارج کنیم به کلمه خبیثه تبدیل می شود. به همین خاطر جوانان زن و مرد خیلی کم نماز می خوانند زیرا آنها در یک جادو گیر افتاده اند و دائم منتظرند؛ منتظر یک شاهزاده و یا منتظر یک الهه

زیبایی. آنها منتظر یک فلسفه شیطانی به اسم عشق هستند عشق یک نوع کوری است که از توجه بیش از حد ناشی می شود اکثر افرادی که که منتظر پیدا کردن عشق هستند، نماز به جا نمی آورند و در یک فضای جادویی سیر می کنند.

وقتی خدا ما را آفرید و بعد از آن که به زمین تبعید شدیم، از ما فقط یک چیز میخواهد؛ تغییر نفس خویش و توبه و رجوع به سوی او. این تغییر بوسیله تزکیه نفس و اعمال صالح بدست می آید. اما شیطان راه و روشهای دیگری برای تغییر پیشنهاد میدهد. خدا تغییر در رفتار و اعمال را میخواهد ولی شیطان تغییر در جنسیت و تغییر در خصوصیات زنانه و مردانه و تغییر در قیافه بوسیله اعمال جراحی زیبایی را پیشنهاد میدهد. خدا کردار و گفتار نیک را به مردم توصیه میکند ، اما شیطان ریا، تقلید، بد دهنی و الکی خوش بودن را بین مردم گسترش میدهد.

ما باید بدانیم که مردان بطور میانگین و حداکثری در خصوصیاتی همچون قد، وزن، قدرت، تراکم استخوان، انرژی، تعداد گلبولهای قرمز و... از زنان برترند و البته این برتری فقط برتری فیزیولوژیکیه و ربطی به برتری معنوی ندارد. خدا می فرماید ان اکرمکم عندالله اتقیکم. **بنابراین برتری فیزیولوژیکی به معنای برتری معنوی نیست. در بعضی صفات هم، زنان بر مردان برتری دارند.**

در بدن بیشتر افراد ، سمت راست همیشه از سمت چپ قوی تره. در این گونه مواقع استثنائاتی هم وجود دارد ولی استثناء این قاعده را بر هم نمیزند. در تمام مواردی

که دو عضو در بدن خویش از آن داریم، همیشه یکی از دیگری قویتره. جالب این است که مخچه راست، سمت چپ بدن را کنترل میکند و بالعکس. یعنی درست است که دست چپ شما از دست راست ضعیف تره ولی بدون دست چپ نمیتوان هیچ کاری کرد و فرد تمام توانایی های خود را از دست میدهد. اساسا بعضی از پزشکان یکی از نشانه های سلامت بدن را تفوق و قوامیت یک طرف بر دیگری میدانند. باید یک طرف از بدن تکیه گاه طرف دیگر باشد. در میان زنان و مردان در (کانون خانواده) باید بعضی خصوصیات هر کدام بر دیگری قوامیت داشته باشد و گرنه تعادل خانواده به هم میخورد و به این خاطر است که خدا می فرماید : الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ

حتی وقتی خدا توصیه هایی برای رفع مشکلات بین زن و شوهر بیان میدارد؛ نکات بسیار ریز و جالبی را بیان میدارد. فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را ترك كنيد (تعادل خودساخته آنان را به هم زنید). **بحث ما در مورد عبارت** وَاضْرِبُوهُنَّ **است. این عبارت در آیه ، به معنای به هم ریختن سیستم و تعادل خودساخته است. زیرا وقتی یک زن از حالت النساء خارج شد؛ در آن صورت مرد کاری نمیتواند بکند و تنها راه این است که کاری کند تا سیستم خودساخته زوجش به هم ریزد تا دوباره تعادل در خانواده برقرار شود. برخلاف باور عموم؛ این آیه به معنای زدن فیزیکی زن نیست. بلکه مرد باید با خصوصیات مردانه خویش؛ برتری این خصوصیات را نسبت به همان خصوصیات در زن ثابت کند و به نوعی زن را به سمت خواص زنانگی (النساء) بکشاند و مانع آن**

شود که زن خصوصیات مردانه را اختیار کند. زیرا وقتی زن، زنانگی خود را فراموش کند؛ ممکن است که تعادل مردش را به هم زند. مرد باید از خواص مردانگی خویش دفاع کرده و به همین خاطر خدا وَاضْرِبُوهُنَّ **را توصیه فرموده است. واضربوهن یک نوع عکس العمل است در مقابل یک نوع افراط و تفریط که تعادل خانواده را به هم میزند. سه مرحله نصیحت، هجرت، ضربت بخاطر برقراری مجدد تعادل در خانواده است و البته برای اجرای هر مرحله باید قبلا مراحل قبلی انجام شده باشد و نمیتوان از مرحله آخر اجرا کرد.**

در یک جمع خودمانی زنان و یا مردان؛ هر گروه خرابی مردان و زنان را بیان میکنند. خودجنس گرائی یک مشکل بزرگ جامعه کنونی است که پایه ناسازگاری در خانواده را بنیان می نهد. مردان و زنان هیچکدام نمیخواهند وظایف شرعی خویش را اجرا کنند؛ بلکه هر کدام دنبال الهه شدن هستند. کلاس آیروبیک، بدنسازی، آرایشگاه، یوگا و ... بیشتر وقت آدمیان را می گیرد و چنین افرادی زمانی برای تزکیه نفس خویش ندارند و دچار عدم تعادل در زندگی واقعی خویش میشوند.

گوش و بینی با افزایش سن، اندازه اش بزرگتر میشود و به همین خاطر مردم سعی دارند که با اعمال جراحی بینی و گوش ، سایز آن را کوچکتر کرده و سن خویش را کمتر کنند و به نوعی بشر با این اداها میخواهد دوباره به دوران جوانی برگردد و به نوعی توبه و برگشت را به روش خویش شبیه سازی میکند. در حالیکه آنچه که

خدا از ما میخواهد؛ برگشت روحی است و نه برگشت جسمی. وقتی مردان آرایش میکنند و به سمت خصوصیات زنانه گرایش پیدا میکنند، مقدار هورمون مردانه آنان کاهش پیدا میکند و تعادل در خانواده به هم میخورد و همچنین این مورد برای زنان هم صادق است. این نوع از مشکل را باید خود جنس گرائی نامید. تفکرات فمنیسم باعث افزایش و کاهش هورمونها شده و به نوعی افراد بدن خویش را مجبور میکنند که به سمت خود جنس گرائی سیر کند. این نوع عدم تعادل هورمونها چه در مردان و چه در زنان، باعث به هم خوردن تعادل روانی و در نتیجه جسمی شده و انواع بیماریهای زنانه و مردانه را به همراه دارد. وقتی مقدار هورمون ها تغییر یابند، افراد برای هماهنگ کردن بدن خویش با هورمونها ، باید دوباره به اصل خویش برگردند؛ یعنی زنان به زنانگی خویش و مردان به مردانگی خویش برگردند؛ ولی متاسفانه مردم براساس شبهات و وسوسه شیطان، سعی در هماهنگ کردن جسم خویش براساس هورمونها میکنند و گاهی طی اعمال جراحی تغییر جنسیت هم میدهند. مثل این است که کسی در خانه اش خراب است، بجای تعمیر کردن در، خانه را عوض میکند!

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ﴿۳۴﴾

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را ترك كنید (تعادل خودساخته آنان را به هم زنید) پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجویید که خدا والای بزرگ است (۳۴)

وقتی خدا از مریم صحبت میکند ، او را به عنوان بهترین زن جهان از نظر خواص زنانگی (النساء) میداند.

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿۴۲﴾

و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاك ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است (۴۲)

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما (۴۳)

خدای مهربان در آیه دوم ، دلیل بهتر بودن خاصیت زنانگی مریم (النساء) را بیان فرموده است. ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما . **یعنی عبادت کردن است که زنان را از "از دست دادن خاصیت زنانگی" باز میدارد و باعث خوشبختی یک زن میشود. یک زن فقط درموقعیت یک زن خوشبخت است و لاغیر. و یک مرد فقط در موقعیت یک مرد خوشبخت است و لاغیر.**

بنابراین عباراتی از قرآن که مردم در قرآن آن را یک ایراد می پندارند(الرجال قوامون علی النساء **و یا** واضربوهن) ، **دارای یک پایه کاملا علمی و اصولی هستند و البته ما باید بصیرت و بینشمان را نسبت به سنتهای نقل شده در این مورد تغییر دهیم و به اصل قرآن برگردیم. خدا خالق ماست و بهتر میداند که زن و مرد چطوری باشند تا خوشبخت شوند. آن خالق یکتا بهتر از هر کسی روش خوشبخت شدن ما را میداند و هیچوقت اشتباه نمی کند.**